

عوامل مرتبط با بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستانی

حبیب احمدی*، بیژن خواجه نوری**، سید مجید موسوی***

طرح مسأله: جمعیت ایران جوان است و بزهکاری یکی از مشکلات مهم این گروه می‌باشد. هدف این مطالعه بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مرتبط با میزان بزهکاری جوانان در شهرستان آبادیه است. این بررسی می‌تواند به تصحیح برنامه‌ریزان در جهت کاهش میزان بزهکاری کمک نماید.

روش: این مطالعه با روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه خود گزارشی به جمع‌آوری اطلاعات از بین ۴۹۹ دانش‌آموز دختر و پسر مقطع دبیرستان شهرستان آبادیه (شهرهای آبادیه، بهمن، صفاد، ایزدخواست، سورمق) پرداخته است.

یافته‌ها: متغیرهای وابستگی به دوستان، مذهبی بودن و استفاده از رسانه‌های جمعی به ترتیب بیش‌ترین رابطه را با متغیر بزهکاری جوانان داشته‌اند. مدل تحقیق با سه متغیر فوق ۳۱ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

نتایج: به نظر می‌رسد که گروه‌های همسالان در تقویت رفتار بزهکارانه جوانانشان از اهمیت زیادی برخوردارند. تقویت هویت مذهبی جوانان می‌تواند به کاهش میزان بزهکاری کمک کند. در کنار این دو، کاهش محتوای خشونت‌آمیز برنامه‌های رسانه‌های جمعی بخصوص می‌تواند به کاهش بزهکاری بیانجامد.

کلید واژه‌ها: تعهد خانوادگی، دلبستگی به دوستان، رسانه‌های جمعی

تاریخ پذیرش: ۸۸/۳/۴

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۰/۱۱

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز <hahmadi@rose.shirazu.ac.ir>

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه

انحراف اجتماعی و بزهکاری در بین جوانان به عنوان مشکلی اجتماعی، می‌تواند موجب ناامنی و بی‌نظمی گردد. گسترش انحرافات در جامعه و تعمیق آن در بین گروه‌های مختلف جوانان و نوجوانان تبدیل به ارزشهای فرعی در جامعه شده و به تدریج ارزشها و هنجارهای حاکم بر جامعه را سست خواهد ساخت (پیکا، ۱۳۷۰). با افزایش مشکلات هنجاری در جامعه، اصلاح آن بسیار مشکل و طاقت‌فرسا است و جامعه را متحمل هزینه‌های فراوان خواهد کرد. همچنان‌که گیدنز نیز تصریح می‌کند، در شرایطی که انحراف در یک جامعه امری عادی و درحد وسیعی پیش پا افتاده و جزئی از زندگی روزمره تلقی شود، داشتن نیروی انسانی سازنده و ماهر و در نهایت جامعه‌ای مستقل با نهادها و سازمانهای سالم و پویا، درحد مدینه فاضله‌ای بیش نیست (گیدنز، ۱۳۷۳).

شناخت علل بزه و رفتار بزهکارانه می‌تواند به برنامه‌ریزان کمک نماید تا برنامه‌های دقیق‌تر و متناسب با زمان و مکان خاص طراحی نمایند و به مرحله‌ی اجرا در آورند. در برخی از مطالعات عواملی همچون نژاد، جنسیت و طبقه اجتماعی با بزهکاری دارای رابطه هستند (Menaqker, 1994; Rosenbaum and lasloy, 1990). در برخی نحوه زندگی خیابانی از عوامل مهم تلقی شده‌اند (Hagan & mearthy, 1994: 561) اما زندگی خیابانی خود ناشی از زمینه‌های طبقاتی، سن و جنس، ساخت خانواده، تضاد رفتاری و نحوه نظارت والدین روی رفتار و فرزندان و بی‌اعتنایی جوانان نسبت به تعهدات مدرسه می‌باشد (Hagan & mearthy, 1994: 561). در برخی دیگر دلبستگی به دوستان یا خانواده از مهمترین عوامل بوده است (Agnew 1997; Menaqker, 1994). برخی دیگر، بین اندازه شهر محل سکونت و بزهکاری رابطه یافته‌اند (Jacobs, 1982). همچنین بین مهاجرت و بزهکاری رابطه‌ی معنی‌داری یافت شده است که این خود توجه ما را به عامل نظارت اجتماعی جلب می‌کند (Osborn, 1989).

در اینجا عمده متغیرهایی که در مطالعات داخلی با بزهکاری رابطه داشته‌اند، بیسوادی جوانان، فاصله طبقاتی، سکونت گاه نامطلوب و نابسامانی‌های خانوادگی و عوامل دینی،

دوستان ناباب، مشکلات خانوادگی، عدم آگاهی (هروی، ۱۳۵۷؛ سهرابی، ۱۳۶۹؛ جلیلی، ۱۳۷۲؛ معدنی، ۱۳۷۳)، عوامل ژنتیکی و محیطی (مک وندی و لیامی، ۱۳۷۴)، بحرانهای بلوغ، هویت، ارزشها و مناسبات (احمدی، ۱۳۷۳)، بیسوادی مادران، حجم زیاد خانواده، فقدان روابط عاطفی در خانواده، بزهکاری اعضاء خانواده و همچنین فقر مالی خانواده (حسین الهاشمی، ۱۳۶۴؛ مهدوی و صدفی، ۱۳۷۴) بوده‌اند. برخی از مطالعات با تکیه بر نظریه کنترل اجتماعی به بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای این نظریه پرداخته و بین آنها و بزهکاری نوجوانان و جوانان و رفتار بزهکارانه رابطه‌ی معنی‌دار یافته‌اند: تقی‌د به مدرسه، تقی‌دات به خانواده، گروههای همسالان و دین (طالبان، ۱۳۸۰: ۱۰۰-۱۱۲؛ Ahmadi, et al., 2000: 3-11).

درباره‌ی که در ایران در زمینه بزهکاری و علل آن انجام گرفته، چند نکته قابل ذکر است: اول اینکه بیشتر پژوهش‌ها به توصیف اطلاعات شده و کمتر به تبیین بزهکاری پرداخته‌اند؛ دوم اینکه مفاهیم نظری و متغیرهای عمده پژوهش کمتر به روشنی تعریف نظری و عملی پرداخته‌اند؛ سوم اینکه بسیاری از پژوهشهای انجام شده چارچوب نظری کاملی ندارند؛ و نهایتاً بسیاری از پژوهشهای انجام شده رویکردی روانشناختی داشته و کمتر دارای رویکردی جامعه‌شناسی هستند، در حالیکه بیشتر از نظریه کنترل اجتماعی و نظریه خرده فرهنگی سود فراوان جسته‌اند.

برخی از نظریه‌ها مبتنی بر دیدگاه‌های زیست‌شناختی بوده و سعی کرده‌اند تا از این منظر پدیده بزهکاری را تبیین کنند. از شاخص‌ترین نظریه‌پردازان این دیدگاه لمبروزو، کرچمر^۱ و شلدون^۲ هستند که سعی نموده‌اند تا با استفاده از برخی ویژگی‌های جسمانی، افراد منحرف را طبقه‌بندی نمایند و به بیان دیگر بین انحراف و خصیصه‌های زیست‌شناختی افراد، رابطه برقرار کنند (کی‌نیا، ۱۳۷۰؛ احمدی، ۱۳۸۴: ۲۴، ۲۱: ۱۳۷۷).

برخی از نظریه‌پردازان از حوزه روانشناختی، سعی بر آن داشته‌اند از منظری فردی و روانی بزهکاری را تبیین کنند. از میان این نظریه‌پردازان می‌توان از فروید یاد کرد که با

1- kretshmer.

2- Sheldon.

رویکردی رونکاوانه، بین نوع شخصیت افراد و رفتار انحرافی رابطه مستقیم ایجاد نمود (احمدی، ۱۳۸۴: ۳۲؛ صفوی، ۱۳۷۰). برخی دیگر بر این باورند که بین هوش و ارتکاب به اعمال انحرافی رابطه وجود دارد (احمدی، ۲۳: ۱۳۷۷). برخی از منظر روانشناسی اجتماعی بر این باور بوده‌اند که بین تقلید و بروز جرم رابطه وجود دارد (کی نیا، ۱۳۷۰). در حوزه جامعه‌شناسی به آراء و عقاید گوناگونی بر می‌خوریم که هر یک از منظر معرفت‌شناسی و روش‌شناسی، خود سعی در تبیین رفتارهای انحرافی داشته‌اند. عمده‌ی تفاوت‌های بنیادی بین نظریه‌های جامعه‌شناسی از چارچوب‌های معرفتی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی انحرافات ناشی می‌شود. در اینجا سعی می‌شود تا مروری کلی بر مهمترین نظریات جامعه‌شناسانه در حوزه انحرافات انجام دهیم. دورکیم با بیان مفهوم بی‌هنجاری (آنومی) بر این باور است که جامعه نابسامان یا بی‌سازمان جامعه‌ای است که مجموعه‌ای از هنجارها و ارزشهای متضاد بایکدیگر در خود داشته است و فاقد خطوط راهنمای روشن و پایداری برای مردم به منظور یادگیری و درونی کردن هنجارهاست (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۴). به باور وی در جامعه مدرن صنعتی، معیارها و هنجارهای سنتی تضعیف می‌شوند بی‌آنکه هنجارهای جدیدی جایگزین شوند، و بی‌هنجاری به وجود می‌آید.

مرتن بر این باور بود که تضاد میان اهداف فرهنگی و وسایل نیل به آن اهداف منبع اولیه بی‌هنجاری است. بنابراین پنج نوع واکنش از سوی افراد، که ناشی از فشارهای بین ارزشهای مورد قبول جامعه و راهها و وسایل محدود دستیابی به آن اهداف است، صورت می‌گیرد و رفتار افراد به شقوق مختلف: هم‌نوایی (سازگاری) و ناهم‌نوایی (چهار حالت رفتار انحرافی) تقسیم می‌شود (Merton, 1968: 56).

به نظر پارک و برگس اقلیت‌های فرهنگی و نژادی، عمدتاً مهاجران، از فرهنگ متجانس خود جدا شده، به عنوان یک خرده - فرهنگ، وارد مناطق مختلف شهری به ویژه سکونت گاههای فقیر نشین می‌شوند که در شهرهای صنعتی این فرایند تبدیل گروههای اقلیت به خرده - فرهنگ، همراه با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین ساکنان و سکونت در زاغه

نشین‌های شهر، منتهی به خرده - فرهنگ بزهکارانه و به طور کلی شیوع جرم و جنایت می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۸؛ مساوات آذر، ۱۳۷۴: ۳۵-۴۰؛ Ahmadi, 1995: 15, 130).

ساترلند با ابداع مفهوم پیوندیابی افتراقی، تبیین خود را بر این فرض منطقی بنا کرد که رفتار مجرمانه، به همان روشی یاد گرفته می‌شود که هر رفتار دیگری آموخته می‌شود (Sutherland, Cressey & Luckenbill, 1992: 81). وی با بازگشت به تبیینات انتزاعی معتقد شد که فرایند یادگیری که شامل ارتباط^۱ و تعامل می‌باشد، اصلی است که همه انواع جرم را توضیح و تبیین خواهد کرد (Cohen et al., 1956: 19).

کوهن با مطالعه بر روی پسران بزهکار، نظریه خرده فرهنگ را با تفکیک رفتار انحرافی جوانان از انحرافات اجتماعی بزرگسالان و تأکید بر بزهکاری پسران طبقات پایین تدوین کرد (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۲). به باور کوهن، دار و دسته بزهکاران و خرده فرهنگ بزهکاری در جایی رشد می‌کند که جوانان برای کسب موفقیت و فرصتهای اقتصادی - اجتماعی از راه‌های قانونی شانس کمی دارند. وی بر این باور است که برخورد ارزشهای خرده - فرهنگ‌های متفاوت، به ویژه بین هنجارها و ارزشهای طبقه پایین جامعه با هنجارهای مسلط جامعه که غالباً براساس هنجارهای طبقه متوسط شکل گرفته‌اند، زمینه برای رفتار بزهکارانه جوانان را فراهم می‌سازد (Gibbons, 1979: 150).

هیرشی و ریکلس با استفاده از نظریه کنترل اجتماعی (الزامات اجتماعی) یکی از مهمترین کمک‌ها را به تبیین رفتار انحراف بزهکارانه انجام دادند. از آنجا که چارچوب نظری تحقیق عمدتاً بر نظریه کنترل اجتماعی است، این نظریه را بیشتر توضیح می‌دهیم. طبق نظریه‌های کنترل، انحراف وقتی رخ می‌دهد که کنترل‌های اجتماعی ضعیف یا شکسته می‌شوند. تراویس هیرشی^۲ با استفاده از مفاهیم تقید^۳ و تعهد^۴ و والتر. سی ریکلس^۵ با استفاده از کف نفس^۶ (Reckless, 1970) به بررسی مفهوم رفتار انحرافی پرداخته‌اند.

1- communication. 2- Travis Hirchi. 3- attachment. 4- commitment.
5- Walter C. Reckless. 6- containment.

نظریه کنترل اجتماعی برای آزمون تجربی فرضیات خود، روی متغیرهای مربوط به خانواده، مدرسه و محدودی بر روی متغیرهای مربوط به گروه دوستان و همسالان، عامل دین و قومیت تاکید داشته‌اند که یافته‌های آنها همبستگی‌های به نسبت نیرومندی را با رفتار انحرافی به ویژه بزهکاری جوانان نشان داده است (Rossembaum & Lasley, 1990: 493-513). این نظریه به دو نوع کنترل فردی و اجتماعی اعتقاد دارد. کنترل اجتماعی با مقدار تعلقات و تقیدات فرد به نهادها و سازمانهای اجتماعی، مانند خانواده، مدرسه و غیره اندازه‌گیری می‌شود. هیرشی تعلقات و تقیدات اجتماعی را به اشکال زیر جهت سنجش تجربی تقسیم‌بندی کرده است (Elliott, 1998: 149-177).

به باور هیرشی مفهوم اساسی نظریه کنترل، پیوند^۱ فرد به جامعه است. این پیوند چهار مؤلفه دارد: تقید به اشخاص رسمی^۲، تعهد به رفتار متعارف، مشغولیت به رفتارهای متعارف و اعتقاد به هنجارهای متعارف. به عبارت دیگر هیرشی چهار نوع علقه‌ی اجتماعی را تشخیص می‌دهد و به تحلیل آن می‌پردازد. علاوه بر آن، روابط متقابل را نیز بررسی می‌کند: (۱) درجه‌ی وابستگی نوجوان به خانواده‌اش، به محیط و به نهادهایش (تقید؛ ۲) پذیرفتن هدفهای متعارف کل جامعه (تعهد؛ ۳) شرکت در فعالیت‌های اجتماعی؛ (۴) اعتقاد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی (گسن، ۱۳۷۰، ۱۶۳-۱۶۴). داریم هنگامی که این تقید اجتماعی ضعیف می‌شود، احتمال بزهکاری بیشتر است. منظور هیرشی از تعریف، احساسی است که ما به دیگران داریم اگر ما پیوندهای نزدیکی با آنها داشته باشیم، احتمال بیشتری هست که نسبت به آنچه که آنها درباره‌ی رفتار ما فکر می‌کنند مراقب باشیم. کنترل بزهکاری با تقیدی پیوند می‌خورد که جوانان نسبت به والدینشان دارند اما هیرشی تأکید می‌کند که تعلق به همسالان نیز بزهکاری را کنترل می‌کند. مطالعات زیادی دیدگاه هیرشی را در بررسی انحرافات اجتماعی مختلف به کار گرفته‌اند (Higgins & Tewksbury, 2006; Piquero et al., 2005; Tittle et al., 2003; Sellers, 1999; Tibbetts & Myers, 1999; Tibbetts, S. G., & Herz, 1996).

1- cond.

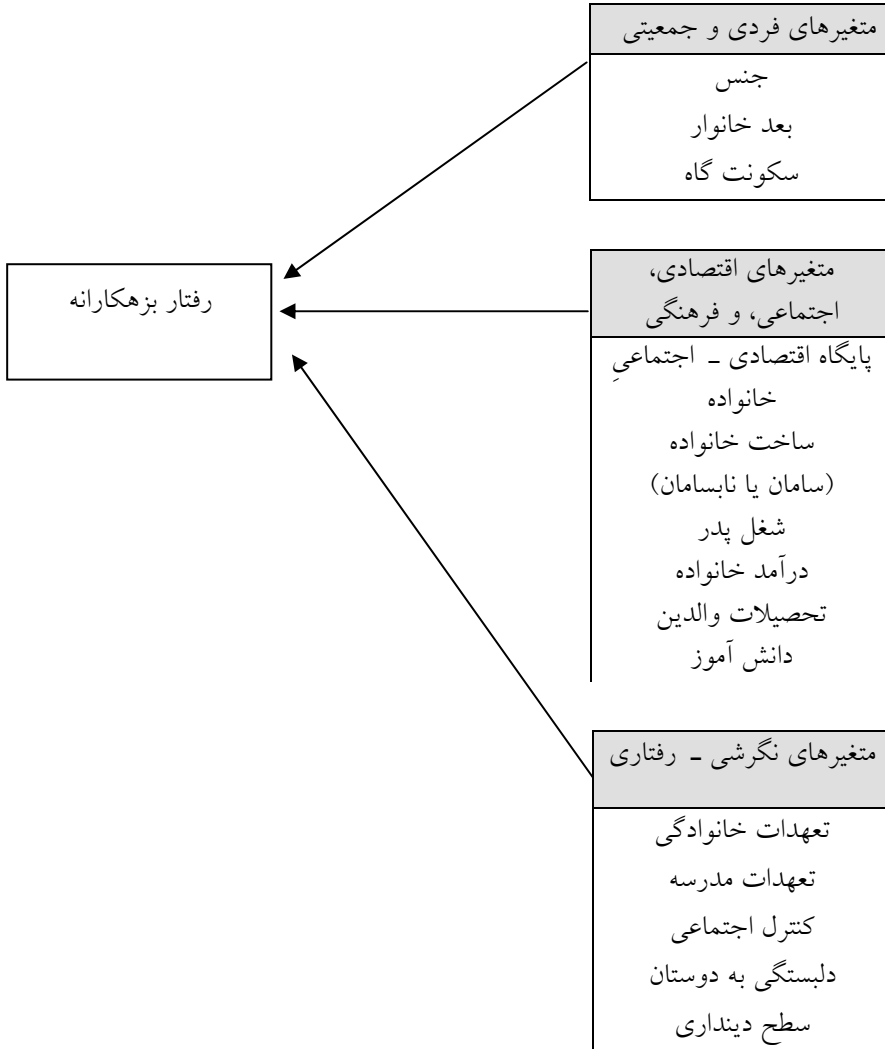
2- conventional

چارچوب نظری پژوهش

به نظر می‌رسد که نظریه‌های خرده‌فرهنگی و کنترل اجتماعی و ترکیب متغیرهای آنها، می‌تواند برای ایجاد چارچوب نظری پژوهش سودمند باشد. عواملی همچون پایگاه اقتصاد - اجتماعی و فرهنگی خانواده، ویژگی‌های فردی و جمعیت‌شناختی، سطح معاشرت، دوستان و همسالان، سطح تعهدات، احساس تعلق به الزامات حاکم بر محیط خانواده و مدرسه، همچنین شرایط اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر جامعه، تضاد طبقاتی، توزیع نابرابر امکانات و فرصت‌های زندگی بین اعضای جامعه، همگی با رفتار بزهکارانه جوانان رابطه دارند.

سطح دلبستگی اعضاء به گروه همسن و سال بعضاً بزهکار و احساس تعهد به ارزشها و هنجارهای حاکم بر آن گروهها بیشتر شده و با یادگیری قواعد و شیوه‌های جدید بزهکاری، از نو جامعه‌پذیر شده و یک خرده فرهنگ بزهکاری را عملاً ایجاد کرده و الگوهای رفتاری آنها مخصوصاً در بین نوجوانان و جوانان همه طبقات جامعه و در سایر اجتماعات اشاعه یافته است و نقش یک گروه مرجع را ایفاء می‌کنند. به موازات افزایش تقیدات و دلبستگی جوانان به همسالان و دوستان بزهکار، به همان اندازه ممکن است تقیدات و تعهدات آنها نسبت به رعایت الزامات اجتماعی حاکم بر خانواده و مدرسه، کاهش یابد تا جاییکه نسبت به هنجارها و قواعد مرسوم و الزامات اجتماعی بی‌اعتناء شده، در صدد هر چه بیشتر کم‌رنگ کردن آنها عمل نمایند. ویژگیهای فردی همچون جنس، قومیت، مهاجرت و مانند آنها نیز قادرند وضعیت را تشدید نمایند. نمودار شماره یک، مدل نظری تحقیق را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱: نمودار مدل نظری تبیین رفتار بزهکارانه جوانان



روش پژوهش

روش تحقیق پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه خود گزارشی بوده است. تعداد دانش‌آموزان آموزشگاههای متوسطه در شهرستان طبق آمار سال تحصیلی ۸۵-۸۴ برابر با ۷۲۳۸ دانش‌آموز بوده است که ۴۹۹ نفر از آنها وارد مطالعه شدند. شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود. ابتدا تمامی مدارس انتخاب شدند و سپس بر حسب تعداد مدارس دخترانه و پسرانه به آنها سهم داده شد. در مرحله بعد بر اساس تعداد سطوح تحصیلی هر مدرسه، به هر سطح تحصیلی سهم داده شد. در نهایت دانش‌آموزان هر کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند. واحد نمونه‌ای یک دانش‌آموز پسر یا دختر ۱۹-۱۴ ساله دبیرستانی می‌باشد.

برای سنجش رفتار بزهکارانه، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲۰ سؤال ساخته شد که رفتارهای عینی دانش‌آموزان را می‌سنجید. اعتبار این سؤال‌ها توسط سایر مطالعات و همچنین اساتید و مشاورین متخصص علوم اجتماعی به اثبات رسیده بود. این سؤال‌ها با یکدیگر ادغام گردید و یک متغیر ترکیبی ساخته شد. بنابراین، در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱، توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب جنسیت آنها نشان داده است. از کل دانش‌آموزان مورد بررسی ۵۲/۹ دختر و ۴۷/۱ درصد پسر بوده‌اند.

رابطه جنسیت و رفتار بزهکارانه

جدول شماره ۱ نشان‌دهنده آن است که تفاوت معنی‌داری بین دو جنس به لحاظ میانگین بزهکاری وجود دارد. ($p < 0/001$)

جدول شماره ۱: تفاوت میانگین بزهکاری دانش آموزان برحسب جنسیت آنها

جنسیت	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	p
دختر	۲۹/۸۱۶۴	۸/۸۵۴۰	۱۳/۱۵۴	۰/۰۰۰
پسر	۳۲/۴۴۳۹	۱۲/۵۹۵۱		

جدول شماره ۲ توزیع پاسخ‌ها را به تفکیک جنسیت آنها نشان می‌دهد. بجز گویه‌های ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۶ و ۲۰ میانگین پسرها در تمامی گویه‌ها بیش از دخترها می‌باشد. چنین به نظر می‌رسد که پسرها بیش از دخترها در فعالیت‌های بزهکارانه‌ی شدیدتر وارد می‌شوند و دخترها بیشتر تمایل به رفتارهای بزهکارانه‌ای دارند که خطر کمتری برایشان ایجاد می‌کند.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان به سؤال‌های مختلف

ردیف	گویه	کل		پسر		دختر		ردیف	گویه
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
۱	پاره کردن صندلی وسایل حمل و نقل عمومی	۱/۲۶	۰/۸۴	۱/۳۱	۰/۹	۱/۲۱	۰/۷۸	۱۱	آسیب زدن به صندوق‌ها، ی پستی، صدقات ...
۲	خرد کردن لامپ روشنایی معابر، مدرسه، ...	۱/۲۶	۰/۸۲	۱/۴۵	۱/۱	۱/۰۹	۰/۴۶	۱۲	آسیب به اتومبیل‌های کنار خیابان
۳	استفاده از مواد نشاط آور	۱/۳۹	۱/۰۱	۱/۶۷	۱/۳۶	۱/۱۳	۰/۶۷	۱۳	نوشتن یا نقاشی بر روی صندلی کلاس
۴	رفت و آمد با دوستان از جنس مخالف	۱/۶۱	۱/۳۱	۱/۹۴	۱/۵۶	۱/۳۱	۰/۹۶	۱۴	آسیب به بخاری مدرسه
۵	برداشتن وسایل دوستان	۱/۳۰	۰/۸۳	۱/۴۳	۱/۰	۱/۱۸	۰/۶۲	۱۵	شکستن شیشه‌ی اماکن عمومی

ردیف	گویه	کل		پسر		دختر		ردیف	گویه
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		
۶	برداشتن وسایل مدرسه	۱/۲۰	۰/۷	۱/۲۶	۰/۸۱	۱/۱۴	۰/۵۷	۱۶	پاره کردن تصاویر کتاب‌ها یا مجلات کتابخانه مدرسه یا عمومی
۷	تقلب در امتحانات	۳/۰۷	۱/۷	۳/۱	۱/۷۱	۳/۰۷	۱/۷	۱۷	آسیب به علائم ترافیک و تابلوهای راهنمایی و رانندگی
۸	آرایش‌های خلاف عرف جامعه	۱/۴۹	۱/۱۷	۱/۳۹	۱/۰	۱/۵۹	۱/۳	۱۸	صدمه به گوشی کیوسک تلفن‌های عمومی
۹	شکستن شاخه‌های درختان یا نوشتن بر روی تنه درختان	۱/۸۸	۱/۲۸	۱/۸۸	۱/۲۶	۱/۸۸	۱/۳	۱۹	صدمه به مجسمه‌های نصب شده در میدان‌ها، پارک‌ها...
۱۰	راه رفتن بر روی چمن‌های پارک‌ها و ...	۳/۳۹	۱/۷	۳/۴	۱/۶۸	۳/۳۸	۱/۶۹	۲۰	صدمه به اموال دیگران

رابطه محل سکونت با رفتار بزهکارانه

جدول ۳ نشان‌دهنده تفاوت سطح انحرافات پاسخ‌گویان برحسب محل سکونت آنها در شهر می‌باشد. این تفاوت در میان کل پاسخ‌گویان معنی‌دار بوده است. ($p < ۰/۰۰۱$)

جدول شماره ۳: تفاوت میانگین بزهکاری کل پاسخ‌گویان برحسب محل سکونت آنها

محل سکونت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	F	p
بالای شهر	۸۳	۱۵۴/۴۸	۱۲/۰۰	۳/۴۲۷	۰/۰۰۹
وسط شهر	۱۱۷	۱۵۳/۴۵	۱۰/۹۳		
پایین شهر	۲۳	۱۵۲/۶۹	۸/۹۰		
روستاهای نزدیک	۱۱۵	۱۵۰/۵۳	۶/۱۴		
روستاهای دور	۴۱	۱۴۹/۵۱	۶/۶۹		

همبسته‌های رفتار بزهکارانه چنان‌که در جدول ۴ دیده می‌شود، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، وابستگی به دوستان، خانواده و مدرسه، نابسامانی خانواده، تحصیلات والدین، بعد خانواده، سطح دینداری، استفاده از رسانه‌های جمعی، و نظارت خانواده، همگی با رفتار بزهکارانه رابطه دارند. این ارتباط گاه در گروه دختران (پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تحصیلات مادر، بعد خانوار و نظارت خانواده) و گاه نیز در پسران (وابستگی به مدرسه، نابسامانی خانواده، و تحصیلات پدر) دیده نمی‌شود.

جدول شماره ۴: همبسته‌های رفتار بزهکارانه

میزان بزهکاری			میانگین بزهکاری متغیرهای مستقل
دختران	پسران	کل پاسخ‌گویان	
۰/۰۴۶	۰/۲۰۲**	۰/۱۲۰*	پایگاه اجتماعی اقتصادی
۰/۴۲۴**	۰/۲۲۴**	۰/۳۱۱**	وابستگی به دوستان
-۰/۱۷۹**	-۰/۱۸۴**	-۰/۱۸۰**	وابستگی به خانواده
-۰/۲۵۱**	-۰/۱۲۵	-۰/۱۳۹**	وابستگی به مدرسه
۰/۳۹۱**	۰/۱۰۲	۰/۲۱۳**	نابسامانی خانواده
۰/۰۸۲	۰/۲۳۰**	۰/۱۵۱**	تحصیلات مادر

میزان بزهکاری			میانگین بزهکاری
دختران	پسران	کل پاسخ‌گویان	متغیرهای مستقل
۰/۰۹۴	۰/۰۵۸	۰/۰۶۳	درآمد پدر پاسخ‌گو
۰/۰۰۳	-۰/۰۴۶	۰/۰۴۲	منزلت شغلی
-۰/۰۰۳	-۰/۲۰۸**	-۰/۱۲۶*	بُعد خانوار
-۰/۳۰۵**	-۰/۲۶۶**	-۰/۲۶۶**	سطح دینداری
۰/۳۲۱**	۰/۱۸۳**	۰/۲۴۲**	استفاده از رسانه‌های جمعی
-۰/۰۴۹	-۰/۲۶۱**	-۰/۱۵۳**	نظارت خانواده
۰/۱۲۸*	۰/۰۶۴	۰/۱۹۲**	تحصیلات پدر

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

رگرسیون

با استفاده از تکنیک آماری رگرسیون چند متغیره قدم به قدم، روابط مزبور مورد ارزیابی قرار گرفته است. مطابق جدول شماره ۵ مهمترین متغیرهای مرتبط با رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان دبیرستانهای شهرستان آباد به ترتیب به قرار زیر است: ۱- وابستگی به دوستان، ۲- سطح دینداری، ۳- رسانه‌های جمعی. وابستگی به دوستان نزدیک به ۱۸ درصد از پراکنش یا تغییرات بزهکاری دانش‌آموزان پاسخ‌گو را تبیین می‌کند. ضریب رگرسیون Beta، ۰/۴۲۲ می‌باشد که جهت آن مثبت است. یعنی هر چقدر دلبستگی به دوستان بیشتر باشد، دانش‌آموزان بزهکاری بیشتری خواهند داشت. در سطح دوم میزان دینداری وارد معادله شده است. مقدار پراکنش تبیین شده توسط متغیر فوق ۹/۷ درصد افزایش یافته است. با وارد شدن متغیر دینداری مدل تحقیق ۲۷/۵ درصد از پراکنش را توضیح می‌دهد. ضریب بتای میزان دینداری ۰/۳۱۴- است که با توجه به جهت منفی آن ملاحظه می‌شود که هر چقدر دانش‌آموزان دیندارتر باشند، از بزهکاری آنها کاسته خواهد شد.

در مرحله سوم یا مرحله نهایی، مقدار استفاده از رسانه‌های جمعی وارد معادله شده است. مقدار پراکنش تبیین شده‌ای که با این متغیر افزوده می‌شود، ۳/۶ درصد است و این مقدار در مرحله سوم به ۳۱/۱ درصد رسیده است. بتای متغیر رسانه‌های جمعی ۰/۲۰۲ است. به بیان دیگر جهت مثبت این متغیر نشان دهنده آن است که استفاده زیاد از وسایل جمعی مختلف بزهکاری دانش‌آموزان را بیشتر می‌سازد. معادله رگرسیون در مرحله سوم به شکل زیر می‌باشد:

$$y = a + B_1(x_1) + B_2(x_2) + B_3(x_3)$$

$$y = ۱۵۴/۰۲ + (۰/۴۲۲)(x_1) - ۰/۳۱۴(x_2) + ۰/۲۰۲(x_3)$$

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره

تعداد مراحل	متغیرهای پیش بینی کننده	R	R ²	واریانس افزوده شده	Beta	مقدار F	p
اول	وابستگی به دوستان	۰/۴۲۲	۰/۱۷۸	۰/۱۷۸	۰/۴۲۲	۳۵/۹۱	۰/۰۰۰
دوم	سطح دینداری	۰/۵۲۴	۰/۲۷۵	۰/۰۹۷	-۰/۳۱۲	۳۱/۲۳	۰/۰۰۰
سوم	استفاده از رسانه‌های جمعی	۰/۵۵۸	۰/۳۱۱	۰/۰۳۶	۰/۲۰۲	۲۴/۶۸	۰/۰۰۰

۱۵۴/۰۲ = عدد ثابت

بحث

از متغیرهای مستقل مورد مطالعه تنها سه متغیر دل‌بستگی به دوستان، دینداری و استفاده از رسانه‌های گروهی در معادله رگرسیون باقی ماندند. این سه متغیر که از عوامل جامعه پذیری هستند بیشترین تغییرات متغیر وابسته (میزان بزهکاری دانش‌آموزان) را در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان توضیح داده‌اند. همبستگی اولین متغیر دل‌بستگی به دوستان با میزان بزهکاری ۴۲ درصد بود که به تنهایی ۱۷/۸ درصد تغییرات را در سطح بیش از ۹۹ درصد توضیح می‌داد. رابطه این متغیر با متغیر وابسته مثبت بوده است. به بیان دیگر هر چه

دل‌بستگی دانش‌آموزان به دوستان بیشتر می‌شود، بزهکاری آنها بیشتر می‌شود. متغیر دومی که وارد معادله شده بود، دینداری یا اعتقاد و عمل به دستورات دین بوده است. این متغیر با متغیر وابسته همبستگی نزدیک به ۳۲٪ داشته است. با ورود این متغیر، مدل تحقیق ۲۷/۵ درصد تغییرات را تبیین کرده است. رابطه منفی این متغیر با متغیر بزهکاری نشان‌دهنده آن است که هر چه تعلقات دینی دانش‌آموزان بیشتر شود، بزهکاری آنها کمتر خواهد شد. در واقع دین به عنوان یک کنترل‌کننده اجتماعی جلوی بسیاری از رفتارهای بزهکارانه دانش‌آموزان را می‌گیرد. در مرحله سوم یا مرحله آخر مقدار استفاده از رسانه‌های گروهی وارد معادله شده است. رابطه این متغیر با متغیر وابسته ۲۰ درصد بوده است و با ورود این متغیر، توان تبیین مدل به ۳۱ درصد رسید. رابطه مثبت این متغیر حاکی از آن است که حداقل برخی از رفتارهای بزهکارانه جوانان الگو برداری شده از رسانه‌های گروهی است.

- احمدی، ا. (۱۳۷۳)، مسائل نوجوانان و جوانان، اصفهان، انتشارات مشعل.
- احمدی، ح. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، انتشارات سمت.
- احمدی، ح. (۱۳۷۷)، نظریه‌های انحرافات اجتماعی، شیراز، انتشارات زر.
- پیکا، ژ. (۱۳۷۰)، جرم شناسی، مترجم علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- جلیلی، م. (۱۳۷۲)، بررسی عوامل موثر در بزهکاری نوجوانان شیراز، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شیراز، بخش جامعه‌شناسی.
- حسین الهاشمی، ه. (۱۳۶۴)، تأثیر خانواده بر بزهکاری، رساله‌ی کارشناسی ارشد، شیراز، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز.
- سهرابی، ف. (۱۳۶۹)، مسأله سیگار در آینه تحقیق، تهران، انتشارات مدرسه.
- صفوی، ا. (۱۳۷۰)، تئوری انحراف، مجله رشد علوم اجتماعی، شماره ۶ و ۷، صص، ۲۲-۲۸.
- طالبان، م. ر. (۱۳۸۰)، بزهکاری جوانان و نظریه‌ی کنترل (بررسی تجربی)، تهران، نامه‌ی پژوهش، سال پنجم، شماره‌ی ۱۷، صص.
- کی‌نیا، م. (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گسن، ر. (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، ناشر مترجم.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- معدنی، س. (۱۳۷۳)، بررسی آسیب‌شناسی اجتماعی سرقت در شهر شیراز پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شیراز، بخش جامعه‌شناسی.
- مهدوی، م. ص و صدفی، ذ. (۱۳۷۴)، بررسی عوامل موثر در انحرافات اجتماعی: بزهکاری، مجله پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی، صص ۴۸-۵۰.
- هروی، م. (۱۳۵۷)، بررسی تحلیلی از آمار مجرمین خردسال شهر تهران، رساله پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بخش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- Ahmadi, H., Khajenoory, B., Moghaddas, A. A. (2000). The Role of Various Social Institutions in Delinquent Behavior: A Case Study, Shiraz: *Journal of Social Sciences & Humanities of Shiraz*, Vol. 15, No. 2, & Vol. 16, No.1.

- Ahmadi, Habib (1995). **Juvenile delinquency in the Illawara region** Australia: *University of Wollongong*, (PH.D.thesis).
- Agnew, R. (1991). The interactive effects of peer variables on delinquency, *American Journal of Criminology*, vol. 29, No. 1, pp. 47-72.
- Cohen, A. K. et al. (1959). *The Sutherland Papers*, Bloomington: Indiana University Press.
- Elliot, D. (1988). "Gender, delinquency and society", *Criminology*, No. 21, pp. 149-177.
- Higgins, G.E. & Tewksbury, R. (2006). "Sex and Self-Control Theory: The Measures and Causal Model May Be Different", *Youth Society*, Vol. 37; pp. 479-503.
- Gibbons, D.C. (1979). *Society, crime and criminal careers: An introduction to criminology*, New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
- Gibbs, J.(1991). "Child psychiatry and human development", *Social Skills*, vol. 22, no.1, pp. 85-99.
- Giordano, P. (1979). "On complication the relationship between liberation and delinquency", *Social Problems*, vol. 20, No. 4, 407-480.
- Hagan, J. , Mearthy, B. (1994). "Street life and delinquency", *British Journal of sociology*, vol. 43, Issue No 4, pp. 33-56.
- Jacobs, D. (1986). "Economic crime". *Journal of SSR*, Vol. 66, No.1, PP.12-27.
- Menaker, J. (1994). "Factors Affecting school vandalism and violence, *Journal of National Organization on Legal Problems of Education*, vol. 37, No. 55, pp. 17-19 .
- Merton, R. k. (1968). *Social theory and social structure*, New York: McMillan-co.Inc.
- Osborn ,G. S. (1989). "Moving, home, leaving London an delionquent trends", *British Journal of Criminology*, vol. 19, No.2, pp.55-61.
- Piquero, N.L., Gover,A.R., MacDonald, J.M. & Piquero, A.R.

- (2005). "The Influence of Delinquent Peers on Delinquency: Does Gender Matter?", *Youth Society*, Vol. 36, pp.251-275.
- Reckless, Walter C. (1970). "Containment Theory," in *The sociology of crime and delinquency*, 2d ed., Marvin E. Wolfgang et al. ,New York: John Wiley.
- Sellers, C. (1999). Self-control and intimate violence: An examination of the scope and specification of the general theory of crime. *Criminology*, Vol. 37, pp. 375-404.
- Sutherland, E. H., Cressey, D.R. & Luckenbill, D.F. 10th ed. (1992). *Criminology*, Dix Hill, NY: General Hall.
- Tibbetts, S. G., & Herz, D. C. (1996). "Gender differences in factors of social control and rational choices. *Deviant Behavior.*", Vol. 17, pp.183-208.
- Tibbetts, S. G., & Myers, D. L. (1999). "Low self-control, rational choice, and student cheating.", *American Journal of Criminal Justice*, 23, 179-200.
- Tittle, C. R., Ward, D. R., & Grasmick, H. G. (2003). "Gender, age, and crime/deviance: A challenge to self-control theory.", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 40, 426-453.